

اهمیت راحة الصدور در تصحيح شاهنامه

دکتر یدالله بهمنی مطلق

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی^۱

(ص ۲۲۵ - ۲۰۹)

تاریخ دریافت مقاله : ۸۹/۶/۴

تاریخ پذیرش قطعی: ۸۹/۱۲/۲۰

چکیده

راحة الصدور یکی از آثار برجسته تاریخی - ادبی زبان فارسی است که از شاهنامه بسیار اقتباس کرده است. نقل پانصد و نود و چهار بیت از شاهنامه در موضوعات حکمی و اخلاقی در این کتاب، از یک طرف نشان دهنده عظمت شاهکار فردوسی و از طرف دیگر نشان دهنده علاقه و دلبستگی راوندی به شاهنامه است. راوندی در سراسر کتاب خود از اندرزهای حکیمانه فردوسی سود برده و با این کار، به اثر خود ارزش و اعتبار بخشیده و به دلیل علاقه به شاهنامه و ذوق شاعری اش بر وزن و سبک آن ابیات بسیار ساخته که هر چند صلابت و استواری کلام فردوسی را ندارد، لیکن در پاره ای از موارد جستجوگر را در بازشناسی آن ها به زحمت می اندازد.

ابیات منقول شاهنامه در راحة الصدور آن هم به تصحیح «با نهایت دقت» دکتر محمد اقبال به گفته مجتبی مینوی، به دلیل تقارن زمانی این دو اثر می تواند در تصحیح شاهنامه راهنمای خوبی برای مصححان و شاهنامه شناسان باشد. در این مقاله از این رهگذر که راحة الصدور تا چه میزان می تواند در تصحیح شاهنامه مؤثر باشد، بحث و گفتگو شده و موارد رجحان ابیات متن راحة الصدور در نمونه هایی که آورده ایم با دلایل علمی بیان شده است.

واژه های کلیدی: شاهنامه، راحة الصدور، تأثیرپذیری، تصحیح متن، قدمت واژگان، ویژگیهای سبکی

۱ . نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول: yadolah.bahmani@yahoo.com

مقدمه

شاهنامه فردوسی یکی از شاهکارهای ادب فارسی است که از روزگار فردوسی تاکنون مورد توجه بسیاری از ادبا، مورّخین و نویسندگان فارسی‌زبان بوده و خواهد بود. مورّخین ما به گونه‌های مختلف در لابه‌لای نوشته‌های خود از آن استفاده کرده و به آثار خود زینت و شکوه بخشیده‌اند.

«در کتاب تاریخی - ادبی راحة الصدور [که به سال ۵۹۹ (ه.ق) مقدّم بر تمام نسخ موجود شاهنامه^(۱) به نگارش در آمده،] پانصد و نود و چهار بیت از شاهنامه فردوسی درج شده است. موضوع همه آن‌ها حکمت عملی از جمله شکوه و شکایت از روزگار، بیان بی وفایی دنیا و ناپایداری آن، پند و اندرزهای مختلف در مسیر زندگی، یاد مرگ، ستایش نیکی، خرد، دادگری، هنر، دانش، راستی و وفاداری، نکوهش بیداد، جهل، کژی، و... است.» (بهمنی مطلق، ۱۳۷۴: ص ۱۹) از تأمل در ابیات مذکور درمی‌یابیم راوندی مجموعه‌ای از حکم شاهنامه را گزینش کرده و در راحة الصدور به کار گرفته است؛ زیرا از این پانصد و نود و چهار بیت که تنها سی و نه بیت آن تکراری است، حتی یک بیت در مضامین حماسی نیست. هرگز گمان نمی‌رود راوندی همه این ابیات را در کتاب خود از حافظه استفاده کرده باشد، هر چند به دلیل وجود اندکی دخل و تصرف، معلوم می‌شود ابیاتی را که جنبه مثلی داشته و بسیار پر کاربرد بوده از حافظه کمک گرفته است. برخی از ابیات تکراری نیز که از این نوعند تصرف اندک نویسنده را نشان می‌دهند.

علاوه بر آنچه گذشت، راوندی در برخی از ابیات به مقتضای زمان و متناسب با حال اشخاص مورد نظر، به عمد تغییرات جزئی اعمال کرده است. بقیه ابیات به دلیل پیوستگی، تنوع، کثرت و پراکندگی‌شان در سراسر شاهنامه بر ما روشن و مسلّم می‌دارد که مؤلف در طول نگارش کتاب چنان فرصت و حوصله‌ای نداشته که کل شاهنامه را از نظر بگذراند تا بیت یا ابیاتی متناسب با موضوع مورد نظر خود را برگزیند. پس مطمئن می‌شویم که چنین گزینشی را از قبل انجام داده و در نگارش راحة الصدور از آن‌ها استفاده کرده است.

فایده اصلی مطلب مذکور این است که وقتی ابیات از روی نوشته‌ای ثبت شده باشد آن هم در زمانی نزدیک تر از هر نسخه خطی به فردوسی، راهنمای خوبی در تصحیح درست شاهنامه خواهد بود. اما چنان که می‌دانیم فردوسی خود سه نسخه از شاهنامه

فراهم آورده و در هر کدام تجدید نظر هایی نموده است. (صفا، ج ۱، ۱۳۷۲: ۴۷۲ و ۴۷۶ و ۴۸۴) این نکته هرگونه اظهار نظر قطعی در تصحیح شاهنامه را دور از منطق مینماید. ابیات بسیاری در راحة الصدور به چشم می خورد که از فردوسی است ولی در برخی از چاپ ها یا نیامده و یا جزء ابیات الحاقی و پاورقی قرار گرفته است. وجود این ابیات در راحة الصدور که برخی نسخه بدل ها نیز آن ها را تأیید می کند ما را مطمئن می سازد که اولاً این ابیات از فردوسی است، ثانیاً باید جزء متن اصلی قرار گیرد و در پاورقی به ذکر نسخی که آن ها را ندارند اشاره شود.

در حوزه تصحیح شاهنامه کارهای شایسته و قابل تحسین و مقالات بسیار نوشته شده که در نگارش این مقاله از نظر دور نبوده اند. از جمله چاپ های معتبر شاهنامه می توان از چاپ مسکو و خالقی مطلق و دکتر جوینی (بر اساس نسخه قدیمی فلورانس) که اغلب ابیات این مقاله با آن ها مقابله شده، یاد کرد. البته از مقالات درخور توجه دکتر برات زنجانی، دکتر عزیز الله جوینی، دکتر محمد روشن، دکتر محمد امین ریاحی و آیدین آغداشلو در «نامه بهارستان» نیز بهره برده ام و تلاش های ارزنده ی پژوهشگران محترم برای اثبات اصالت نسخه فلورانس مرا بر آن داشت تا مجدداً به مقابله برخی ابیات (تا ج ۵) با چاپ دکتر جوینی که از روی آن دست نویس است پردازم. نتایج حاصل از این باز بینی در لابه لای مقاله آمده است.

اهمیت راحة الصدور در تصحیح شاهنامه

چنانکه گذشت پانصد و نود و چهار بیت از شاهنامه در راحة الصدور مورد استفاده قرار گرفته که موارد بسیاری از این ابیات با چاپ خالقی مطلق، مسکو، دبیر سیاقی و جوینی همخوانی دارد. مواردی نیز وجود دارد که به نظر می رسد، نویسندگان به دلیل استفاده از حافظه، اندکی در آن ها تصرف کرده باشد. نمونه های بسیار دیگری نیز وجود دارد که با تأیید نسخ بسیاری از شاهنامه، درستی و ترجیح آن ها بر چاپ های مذکور ثابت و مسلم می گردد و همچنین نشان می دهد نسخه مورد استفاده راوندی با نسخه فلورانس (قدیمی ترین نسخه موجود) یکی نبوده اما با آن قرابت بسیار دارد. پس قطعاً از این ابیات می توان در تصحیح شاهنامه کمک گرفت، لیکن چون تمام موارد و مقابله های آنها در حوصله یک مقاله نمیگنجد، برای نمونه به ذکر چند مورد بسنده میکنیم. گفتنی است به منظور اختصار در این بخش از علایم زیر استفاده شده است:

شه~د: شاهنامه چاپ دبیرسیاقی. شه~خ م: شاهنامه چاپ جلال خالقی مطلق.
 شه~م ج: شاهنامه چاپ مسکو به کوشش دکتر حمیدیان که از همه نظر همان
 چاپ اصلی مسکو است و بسیاری از ابیات را با آن مقایسه کرده‌ام. شه~ج: شاهنامه، به
 کوشش دکتر عزیز الله جوینی.

در اغلب موارد از نسخه بدل‌های چاپ مسکو نیز استفاده شده که عبارت است از:
 ل: نسخه لنیگراد م: نسخه موزه بریتانیا خ: نسخه انستیتو خاورشناسی شوروی،
 شماره یک خ: نسخه انستیتو خاورشناسی شوروی شماره دو ق: نسخه قاهره
 نسخه بدل‌های چاپ خالقی که در برخی موارد از آن‌ها عبارت است از:
 ف: فلورانس ل: بریتانیا در لندن مورخ ۶۷۵ لن: لنیگراد ق: دار الکتب قاهره
 مورخ ۷۴۱ ق: قاهره مورخ ۷۹۶ لی: لیدن پ: پاریس و: واتیکان آ: آکسفورد
 ل: بریتانیا در لندن مورخ ۸۹۱ ب: برلین ل: بریتانیا مورخ ۸۴۱ لن: لنیگراد
 مورخ ۸۴۹ س: استانبول
 ابیاتی که راوندی از شاهنامه گرفته از بُعد تصحیح شاهنامه چند ویژگی دارند. ما در
 این مقاله سعی می‌کنیم از زوایای مختلف به دسته بندی و تحلیل آن‌ها بپردازیم.

۱. ابیاتی که در نسخ مختلف شاهنامه یکسان هستند. این ابیات در راحة الصدور نیز
 بدون تغییر به کار رفته‌اند. اینک نمونه‌هایی از این نوع:

- ۱/۱- کسی را که یزدان کند پادشا بنازد بدو مردم پارسا
 رح: ص ۲۹، س ۱۷ شه~ (خ م): د، ۷، ص ۴۶۷، ب ۲۹
 شه~ (د): ۴۲، ۳۰ شه~ (م ج): ج ۸، ص ۳۱۷، ب ۲۹
- ۱/۲- «یکی داستان زد جهان دیده کی که مرد جوان چون بود نیک پی
 ۱/۳- به دام آیدش ناسگالیده میش پلنگ از پس پشت و صیاد پیش
 رح: ص ۵۰، س ۱۹-۲۰ شه~ (خ م): د، ۱، ص ۱۳۷، ب ۶-۷۶۵
 شه~ (د): ۶، ۲۴-۸۲۳ شه~ (م ج): ج ۱، ص ۱۱۸، ب ۴۴-۶۴۳
 شه~ (ج): ج ۱، ص ۲۳۰، ب ۹-۷۸۸
- ۱/۴- پس از مرگ نفرین بود بر کسی کزو نام زشتی بماند بسی
 رح: ص ۵۹، س ۱۹ شه~ (خ م): د، ۴، ص ۷۱، ب ۱۱۲۳
 شه~ (د): ۱۳۱، ۱۱۳۱ شه~ (م ج): ج ۵، ص ۱۴۹، ب ۱۱۱۳
- ۱/۵- چو دانی که ایدر نمائی دراز به تارک چرا برنهی تاج آز

رح: ص ۶۱، س ۷ شه~ (م ح): ج ۳، ص ۲۰۲، ب ۳۰۷۳
 شه~ (خ م): د ۲، ص ۴۱۹، ب ۳ شه~ (ج): ج ۵، ص ۳۰۰، ب ۶۷۳
 ۱/۶- به تخت مهی بر، هر آن کس که داد کند در دل او باشد از داد شاد
 رح: ص ۱۶۹، س ۱۵ شه~ (خ م): د ۷، ص ۸۹، ب ۲۲
 شه~ (د): ۴۱، ۸ شه~ (م ح): ج ۸، ص ۵۳، ب ۸

۲. ابیاتی که به دلیل اختلاف نسخ ارزش تصحیحی قابل توجهی دارند. برخی از این ابیات با چاپ خالقی برابرند. این ابیات چاپ خالقی را در بین چاپ های موجود موجه تر جلوه می دهد.

الف: ابیاتی که با چاپ خالقی برابر است

۲/۱- کجا بودنی باشد از کردگار نیامدش نیز از کس آموزگار^۱
 رح: ص ۱۳۰، س ۹ شه~ (خ م): د ۴، ص ۹۰، ب ۱۴۲۶
 شه~ (د): ۱۳۴، ۱۴۳۶ شه~ (م ح): ج ۵، ص ۱۶۶، ب ۱۴۱۶
 ۱- د: نباید ورا هیچ آموزگار؛ م ح- کل بیت چنین است:
 که آن بودنی بود از کردگار نیامد بدین بد کس آموزگار
 ۲/۲- تو را نام^۱ باید که ماند دراز نمائی همی کار چندین مساز
 رح: ص ۵۹، س ۲۲ شه~ (خ م): د ۳، ص ۲۲۶، ب ۱۹۹۴
 شه~ (د): ۱۳۰، ۵۶۸ شه~ (م ح): ج ۴، ص ۲۴۱، ب ۵۰۹
 ۱- م ح: همی نام؛ ق مرا؛ ل، خ ۱، خ ۲: ترا، متن ترجیح دارد به دو دلیل: الف- ضمیر «ی» در نمائی «ترا» تأیید می کند، ب- همی در مصراع دوم هم آمده و تکرار آن نشانه ضعف تألیف خواهد بود.

۲/۳- هر آن کس که زاید ببایدش مرد اگر شهریارست اگر مرد^۱ خرد
 رح: ص ۶۱، س ۱۱ شه~ (خ م): د ۶، ص ۱۲۰، ب ۱۷۶۹
 شه~ (د): ۲۰، ۱۸۶۵ شه~ (م ح): ج ۷، ص ۱۰۴، ب ۱۷۶۸
 ۱- م ح: گر

۲/۴- خرد چون یکی^۱ خلعت ایزدبست از^۲ اندیشه دورست و دور از بدبست
 رح: ص ۱۵۵، س ۵ شه~ (خ م): د ۷، ص ۲۹۴، ب ۳۵۳۳
 شه~ (د): ۴۱، ۲۵۷۸ شه~ (م ح): ج ۸، ص ۱۹۹، ب ۲۴۹۸
 ۱- م ح: خرد مرد را؛ ل، خ ۱، خ ۲: خود یکی. ۲- م ح: ز.

۲/۵- نگه کن بدین کار گردنده دهر هر^۱ آن را که از خویشتن کرد بهر
 ۲/۶- برآرد گل تازه از خار خشک شود خاک با^۲ بخت بیدار مشک
 رح: ص ۱۶۵، س ۱-۲ شه~(خ م): ۴د، ص ۹۳، ب ۱۴۶۸ و ۱۴۶۹
 شه~(د): ۱۳۴، ۷۷-۱۴۷۶ شه~(م ح): ۵ج، ص ۱۶۸، ب ۱۴۵۷-۱۴۵۸
 ۱- د، م ح: مر ۲- د: خاکش از

درمورد (۱) اگر چه «مر» نشان دهنده کهنگی زبان است لیکن «هر» بر کلیت دلالت دارد که با توجه به چاپ خالقی درست تر به نظر می رسد. درمورد (۲) نیز چاپ مسکو و خالقی متن را تأیید می کند و تردیدی باقی نمی گذارد.

۲/۷- که این روزگار خوشی بگذرد زمانه نفس را^۱ همی بشمرد
 ۲/۸- چینیست گیهان پر از^۲ درد و رنج چه نازی^۳ به تاج و چه یازی به گنج
 رح: ص ۲۹۷، س ۲-۳ شه~(خ م): ۷د، ص ۴۷۶ و ۷۴۷، ب ۱۴۳ و ۱۳۹
 شه~(د): ۴۲، ۱۴۷ و ۱۴۶ شه~(م ح): ۸ج، ص ۳۲۳، ب ۱۴۰، ۱۳۹
 ۱- د: دم ما ۲- م ح: همه؛ ق، خ ۱، خ ۲: پر از؛ د: «از» ندارد. ۳- م ح: یازی؛ خ م: نازی.
 ۲/۹- به کاری مکن نیز فرمان^۱ زن که هرگز نبینی زنی رای زن
 رح: ص ۳۳۶، س ۲۲ شه~(د): ۱۵، ۲۵۴۶
 شه~(م ح): ۶ج، ص ۲۱۸، ب ۲۴ شه~(خ م): ۵د، ص ۲۹۵، ب ۴۰

۱- م ح: مکن هیچ کاری به فرمان؛ ق، ل، خ ۲: به کاری مکن نیز فرمان ... درستی متن روشن و واضح است. «نیز» در اینجا به معنی «هرگز» است. (نوشین، ۱۳۶۹: ۳۳۶)
 ۲/۱۰- گرمی تر از خون دل چیز نیست خردمند^۱ فرزند با دل یکیست
 رح: ص ۳۷۶، س ۵ شه~(خ م): ۷د، ص ۲۶۰، ب ۲۰۸۵
 شه~(د): ۴۱، ۲۱۳۷ شه~(م ح): ۸ج، ص ۱۷۴، ب ۲۰۶۲
 ۱- م ح: هنرمند؛ م، خ ۱، ل، خ ۲: خردمند. متن با چاپ خالقی کاملاً برابر است.

ب- ابیاتی که با چاپ خالقی متفاوت است اما از جهاتی رجحان دارد:

۲/۱- اگر ماند ایدر ز تو نام زشت نه خوش روز یابی نه^۱ خرم بهشت
 رح: ص ۵۹، س ۲۰ شه~(خ م): ۶د، ص ۱۲۸، ب ۱۹۰۱
 شه~(د): ۲۰، ۱۹۹۸ شه~(م ح): ۷ج، ص ۱۱۱، ب ۱۸۹۹
 ۱- م ح: بدانجا نیابی تو؛ خ م: نیابی - عفا الله-

با وجود نهایت دقتی که در چاپ خالقى لحاظ شده، آیا می‌توان پذیرفت فردوسی از جمله معترضه عربی استفاده کرده باشد؟!

۲/۲- بمیرد هر آنکو^۱ ز مادر بزاد به داد ملک دل بیاید نهاد^۲
رح: ص ۶۶، س ۱۰ شه~ (م ح): ج ۷، ص ۲۸۷، ب ۴۱۴

شه~(خ م): د: ۶، ص ۳۲۹، ب ۱۱-۴۱۰

۱-خ م، م ح: کسی کو؛ خ ۲- هر آنکو ۲-خ م، م ح: زهش چون ستم بینم و مرگ داد؛ خ ۲: به داد خدا دل بیاید نهاد

هر چند از نظر سبکی (خ م و م ح) زبان کهنه‌تری را نشان میدهند لیکن مضمون متن، با ابیات دیگر شاهنامه تأیید می‌شود:

اگر مرگ داد است بیداد چیست؟ ز داد این همه بانگ و فریاد چیست؟
(شه ج: ج ۳، ص ۴۶۰، ب ۳)

۲/۳- نزاید جز از^۱ مرگ را جانور اگر مُرد خواهی^۲ غم من مخور
رح: ص ۹۱، س ۱۷ شه~ (م ح): ج ۸، ص ۱۰۷، ب ۹۳۵
شه~(خ م): د: ۷، ص ۱۶۳، ب ۹۴۹ شه~ (د): ۴۱، ۹۵۴

۱- د: بجز ۲-خ م، م ح: اگر مرگ دانی؛ ق، خ ۲: مرد خواهی.

از آنجا که این متن مقدم بر دیگر نسخ موجود شاهنامه است و برخی از نسخه‌ها هم آن را تأیید می‌کند، می‌توان آن را مرجح دانست. مفهوم هر دو مورد مبهم است.

۲/۴- چنین^۱ داستان زد یکی مرد پیر که گر شادی از مرگ من، تو^۲ ممیر
رح: ص ۹۱ س ۱۹ شه~ (خ م): د: ۷، ص ۱۴۷، ب ۷۶۶
شه~ (د): ۴۱، ۷۵۸ شه~ (م ح): ج ۸، ص ۹۶، ب ۷۵۳

۱- د: بدین؛ خ م، م ح: برین

۲-خ م، م ح: «هرگز» به جای «من، تو»؛ ل، خ ۱، خ ۲: «من، تو»؛ همچنین ک، ل ۲ (نیز لن، پ، لن ۲، ب).

از نظر مفهوم (خ م و م ح) نادرست است، زیرا شاد بودن از مرگ (بطور کلی) ربطی به نمردن ندارد، اما شاد بودن از مرگ دیگران با نمردن مناسبت دارد.

۲/۵- «ایا آزمون را نهاده دو چشم گهی شادمانی گهی پر ز خشم^۱
۲/۶- چنین بود تا بود دور زمان به نویی^۲ تو اندر شگفتی ممان
۲/۷- شگفت اندر این گنبد تیزگرد بماندی^۴ چنین دل پر از داغ و درد»
رح: ص ۱۴۸، س ۱۷-۱۹ شه~(د): ۱۳g، ۸۴ و ۸۶ و ۸۵

شه-م(ح): ج ۵، ص ۲۳۹ و ۲۴۰، ب ۸۰، ۸۲، ۸۱

شه-م(خ): د ۴، ص ۱۷۴ و ۱۷۵، ب ۷۸ و ۸۰ و ۷۹

۱- م ح: گهی درد و خشم؛ خ م: و گاهی به خشم؛ س، پ، و، لن: گهی پر ز خشم.

۲- د، م ح: به نوی ۳- د: تیز رو، م ح: لاژورد ۴- م ح: بماند.

۵- د: بماند همی دل پر از رنج تو.

در این مورد متن به چاپ خالق بسیار نزدیک است و تنها مورد اختلافی را هم نسخه بدلهای تأیید می کند. احتمال این که اصلاحات از خود فردوسی باشد، بعید نیست.

۲/۸- هر آن دیو کاید زمانش فراز^۱ به گفتار گردد زبانش دراز^۲

رح: ص ۲۴۲، س ۱۶ شه-م(خ): م: ۸، ص ۱۹، ب ۲۱۷

شه-م(د): ۴۳، ۲۶۰ شه-م(ح): ج ۹، ۲۴، ب ۲۳۹

۱- خ م: دراز؛ احتمالاً اشتباه چاپی است چون تکرار قافیه عیب آشکار است از طرف دیگر اشکال معنایی هم دارد. «فراز» از اضداد است در اینجا به معنی پایان. از نظر مفهوم متن کاملاً درست است. سعدی نیز گفته است: «هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید» (یوسفی، ۱۳۷۴: ۵۸) ۲- د، خ م، م ح: زبانش به گفتار گردد دراز.

۲/۹- «کسی را که خون ریختن پیشه گشت دل دشمن از وی پر^۱ اندیشه گشت

۲/۱۰- بریزند خونسش بدان^۲ هم نشان که او ریخت خون سر سرکشان»

رح: ص ۳۵۲، س ۲-۳ شه-م(ح): ج ۸، ص ۳۸۳، ب ۱۱۴۱-۱۱۴۲

شه-م(خ): م: ۷، ص ۵۶۱، ب ۱۱۴۸-۱۱۴۹

۱- م ح: دل دشمنان پر ز؛ ق، ل، خ ۱، خ ۲- دل دشمن از وی پر. درستی متن در این مورد کاملاً روشن است. ۲- د، خ م، م ح- بران. ک: بدان. به علت قرابت املائی ممکن است در هنگام استنساخ اشتباهی صورت گرفته باشد. البته این اختلافات نه ایجاد مشکل می کند نه حل مشکل.

۲/۱۱- چه سازی که^۱ چاره به دست تو نیست اگر سازی ار نه جهان را یکیست^۲

رح: ص ۳۶۲، س ۲۱ شه-م(د): ۱۲d، ۲۷۷۵

شه-م(خ): م: ۲، ص ۳۶۸، ب ۲۴۱۰ شه-م(ح): ج ۳، ص ۱۶۰، ب ۲۴۶۵

شه-م(ج): ج ۵، ص ۱۹۳، ب ۴۳

۱- ج: چو ۲- د، م ح: درازست در کام (د: و در دام) شست تو نیست؛ خ م، ج: دراز

است ماه، اورمزدت یکیست.

متن راحة الصدور قابل فهم و روشن است اما با هیچ یک از نسخ تأیید نمی شود. آقای خالقی نیز جلوی این مصراع علامت سؤال گذاشته است، یعنی این که مفهوم روشن نیست. آیا می توان متن راحة الصدور را با توجه به معنی، پایه تصحیح چنین مواردی قرار داد؟

۳- ابیاتی که از جهانی بر سایر نسخ ترجیح دارد:

- ۳/۱- «سزد گر بگویم یکی داستان که با شد خردمند همداستان
 ۳/۲- مسای^۱ ایچ با آز و با کینه دست ز^۲ منزل مکن جایگاه نشست
 ۳/۳- سرای سپنجست پر آی و رو^۳ یکی شد^۴ کهن دیگر آرند نو
 ۳/۴- یکی اندر آید دگر بگذرد زمانی به منزل چمد یا^۵ چرد»
 رح: ص ۱۰۱، س ۷-۱۰ شه~ (د): ۴۳، ۳۹۴۵ و ۳۹۴۷-۳۹۴۹
 شه~ (خ م): ۸۵، ص ۲۹۵، ب ۳۸۰۲ و ۳۸۰۶-۳۸۰۴
 شه~ (م ح): ج ۹، ص ۲۳۵، ب ۳۷۷۵ و ۳۷۷۷-۳۷۷۹
 ۱- د: مساو؛ م ح: مسا؛ ل، خ ۱: مسای ۲- د: به
 ۳- د: بر راه رو؛ م ح: با راه و رو؛ ل، خ ۱: پر آی و رو.
 به نظر می رسد که متن با تأیید نسخه های ل، خ ۱ از نظر معنایی ترجیح دارد.
 ۴- د، م ح، خ م: تو گردی ۵- م ح، خ م: گر؛ س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ق ۲، لی، پ، لن ۲، آ، ب): یا. این مورد از نظر قدمت واژه با توجه به اینکه «گر» به معنی «یا» در شاهنامه فراوان به کار رفته، بر متن ترجیح دارد.

- ۳/۵- «یکی را همه بهره شهدست و قند تن آسانی و ناز و تخت بلند
 ۳/۶- یکی را همه رفتن اندر وریب^۲ گهی بر^۳ فراز و گهی در نشیب
 ۳/۷- چنین پروراند همی روزگار فزون آمد از رنگ گل رنج خار
 ۳/۸- نیاییم بر چرخ گردنده راه نه بر دامن دام^۴ خورشید و ماه
 ۳/۹- جهاندار اگر چند کوشد به رنج نیازد^۵ به کین و بنازد^۶ به گنج
 ۳/۱۰- همش رفت باید^۷ به دیگر سرای همه کوشش ماند باید به جای^۸؟
 ۳/۱۱- چنینست رسم سرای سپنج بدان کوش تا دور مانی ز رنج»
 رح: ص ۱۴۹، س ۱-۷ شه~ (د): ۱۳g، ۸۸-۹۰ و ۹۵-۹۷ و ۱۰۱
 شه~ (م ح): ج ۵، ص ۲۳۹-۲۴۰، ب ۸۳ و ۸۵ و ۸۶ و ۹۱-۹۳ و ۹۷
 شه~ (خ م): د: ۴، ص ۱۷۵ و ۱۷۶، ب ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۴

۱- خ م، م ح: بخت؛ ف، ق (نیز لی، ل ۳) ک: تخت ۲- ک، د: فریب؛ م ح: نهیب. ۳- م ح: در؛ خ م: گه اندر فراز و گه اندر؛ ل، ق، ل ۲= متن. ۴- م ح: نه بر کار دادار. ۵- م ح: بنازد، خ م، ل: بیازد. ۶- ک: ننازد. ۷- د: رفتن آید. ۸- ک، د: بماند همی کوشش او به جای؛ خ م، م ح: بماند همه کوشش ایدر بجای. این مورد را که وزن نیز نادرست است باید از کوتاهی مصحح راحة الصدور دانست؛ در بقیه موارد جایی برای تردید وجود ندارد.

۴. ابیاتی که نشان می‌دهد نسخه مورد استفاده راوندی با چاپ‌های معتبر متفاوت است:

۴/۱- «کسی را که دانش^۱ بود توشه برد بمیرد تنش نام هرگز نمرد^۲
 ۴/۲- همه تن به تن^۳ دست نیکی برید جهان جهان را به بد مسپرید^۴
 رح: ص ۱۷۰، س ۲-۳ شه~(خ م): د، ص ۵۳ و ۵۲، ب ۲۰ و ۲۱
 شه~(د): ۴۰، ۲۰ و ۲۱ شه~(م ح): ج ۸، ص ۳۰، ب ۲۰-۲۱
 ۱- خ م: همان را که بخشش.

۲- م ح: هر آن کس که بخشش کند با کسی بمیرد تنش نام ماند بسی
 ق، ل، خ ۱، خ ۲: هر آن را که (خ ۲: کسی را که) دانش بود توشه برد؛ د: مر آن را ... ؛
 ق، ل، خ ۱، خ ۲: بمیرد تنش نام هرگز نمرد. ۳- د، خ م، م ح: سر به سر؛ خ ۲: تن به تن
 ۴- خ م: نسپرید.

۵. ابیاتی که در آن‌ها تناسب‌های لفظی، قواعد دستوری و زبانی مؤید درستی متن راحة الصدور است:

۵/۱- «کمان دار دل را زبان را^۱ چو تیر تو این داستان از^۲ من آسان مگیر
 ۵/۲- گشادات به زه باید^۳ و دست راست نشانه بنه زان نشان کت هواست»
 رح: ص ۲۸۵، س ۱ و ۲۸۴، س ۱۵ شه~(م ح): ج ۷، ص ۲۰۵، ب ۷۵-۷۶
 شه~(خ م): د، ص ۲۵۹، ب ۷۱ و ۷۲ شه~(د): ۲۴، ۷۴ و ۷۵

۱- د، خ م، م ح: زبانت، در این مورد با توجه به این که «دل و زبان» نقش دستوری یکسان دارند بهتر آن است که به یک شکل به کار روند، مثلاً اگر مورد اول مفعول است و با «را» آمده است، مورد دوم هم که همان نقش را دارد بهتر است حتی الامکان با «را» آورده شود. ۲- د، خ م: «از» ندارد؛ م ح: تو این گفته‌های؛ ق، ل، خ ۱، خ ۲: داستان.

۳- د: گشاده برت باشد و ؛ خ م، م ح: گشاد برت باشد و ...
در مورد ۳ می توان گفت اصح متن راحة الصدور است چون زه با کمان رابطه مراعات النظیر دارد.

۵/۳- «همیشه خردمند^۱ امیدوار
نبیند بجز^۲ شادی از^۳ روزگار
۵/۴- نیندیشد از راه^۴ بد یک زمان
ره تیر^۵ گیرد نه راه^۶ کمان»
رح: ص ۳۴۲، س ۱۱-۱۲ شه~(خ م): د: ۷، ص ۲۹۳، ب ۴-۳۰۳
شه~(د): ۴۱، ۵۵-۲۵۵۴ شه~(م ح): ج ۸، ص ۱۹۷، ب ۷۰-۲۴۶۹
۱- خ م، م ح: «و» افزون دارد؛ ل، خ ۱: «و» ندارد. همچین س، ک، س. ۲
۲- خ م، م ح: «جز از»؛ ل، خ ۱، خ ۲: بجز؛ همچین ق، (لن، ب، و، لن ۲، آ)
۳- م ح: «از» ندارد. ۴- د، خ م، م ح: کار. ۵- م ح: راست.
۶- خ م، م ح: نگیرد؛ خ ۲- به راه؛ ل ۲ (پ، و): نه راه.
اگر تناسب و تشبیه را که از تکنیک های رایج ادبی هستند بتوان مبنای تصحیح قرار داد، متن راحة الصدور مخصوصاً در مورد ۵ و ۶ مرجح است.

۶. ابیاتی که قدمت واژگان و ویژگی های خاص سبکی متن راحة الصدور یا نسخه ای دیگر را موجّه تر نشان می دهد:

۶/۱- تو با دشمنت رخ^۱ پر آژنگ دار
بداندیش را چهره بی رنگ دار
رح: ص ۳۶۷، س ۱۸ شه~(خ م): د: ۶ ص ۲۶۰، ب ۸۰
شه~(د): ۲۴، ۸۳ شه~(م ح): ج ۷، ص ۲۰۵، ب ۸۴
۱- م ح: رو؛ ل، خ ۱، خ ۲- رخ. متن از نظر قدمت واژگان ترجیح دارد. قرار گرفتن «رو» در کنار «آژنگ» که یک واژه کاملاً قدیمی است ما را در ترجیح واژه «رخ» کمک می کند. البته چاپ خالقی نیز آن را تأیید می کند.

۶/۲- «پرستنده گر یابد از شاه رنج
نگه کن که بارنج نازست^۱ و گنج
۶/۳- چو از نعمتش^۲ بهره یابی بکوش
که داری همیشه به فرمانش گوش
۶/۴- به فرمان شاهان نباید^۳ درنگ
نباید که گردد^۴ دل شاه تنگ»
رح: ص ۳۹۱، س ۱۹-۲۲ شه~(خ م): د: ۷، ص ۲۱۶، ب ۱۵۳۱ و ۱۵۲۸ و ۱۵۱۹
شه~(د): ۴۱، ۱۵۸۲ و ۱۵۷۹ و ۱۵۷۰

شده~(م ح): ج ۸، ص ۱۴۳، ب ۱۵۱۴ و ۱۵۱۱ و ۱۵۰۲
 ۱- خ م، م ح: نامست؛ (پ): نازست. ۲- خ م: بخشش؛ ل، س، ک (نیز لن، لی، ل ۳، لن ۲، ب): نعمتش. خالقی در برابر «نعمتش» از نسخه بدل‌ها علامت سؤال گذاشته اند در حالی که متن ایشان اشکال وزنی دارد. البته برای هیچ مصححی این نکته به راحتی پذیرفته نمی‌شود که فردوسی با تمام تسلطش به زبان فارسی به جای «بخشش» از «نعمت» استفاده کرده باشد. عجیب هم این است که اغلب نسخ آن را آورده‌اند.
 ۳- م ح: نباید به فرمان شاهان ۴- خ م، م ح: باشد.

۷. ابیاتی که جایگاه نسخه فلورانس را نشان می‌دهد:

۷/۱- «تو را داد فرزند را هم دهد درختی که از بیخ تو بر جهد
 ۷/۲- کمی نیست در بخشش دادگر فزونی بخور درد و اندوه مخور»
 رج: ص ۳۷۶، س ۱۳-۱۴ شده~(خ م): د، ص ۴۷۰، ب ۶۹۹ و ۷۰۱
 شده~(د): د، ۱۲۵، ۱۶۱۳ و ۱۶۱۵ شده~(م ح): ج ۳، ص ۲۵۰، ب ۷۵ و ۳۷۷۳
 شده~(ج): ج ۵، ص ۴۲۱، ۱۳۷۲ و پاورقی ش ۲ به نقل از چاپ مسکو.
 ۱- د: همان شاخ کز ۲- د: همی شاد آرای و؛ م ح- فزونی بخور دست. خ م: فزونی نیایی تو، ل ۲، س ۲: فزونی بخور درد و. بیت اول یا «ف» برابر است اما بیت دوم در (ف) نیامده، با توجه به تقدّم راحة الصدور بر نسخ شاهنامه و پیوستگی این بیت با ابیات پیشین در راحة الصدور، نشان می‌دهد که اولاً ابیاتی از این دست از فردوسی است. ثانیاً نسخه مورد استفاده راوندی با نسخه اساس فلورانس یکی نیست و یا این که نسخه بردار بیستی را از قلم انداخته است.
 ۷/۳- کسی کو به رنج درم^۱ ننگرد همه روز او بر خوشی بگذرد
 رج: ص ۳۹۳، س ۹ شده~(خ م): د، ص ۳۹۷، حاشیه ۱۲
 شده~(د): د، ۱۳۵، ۱۳۵۶ شده~(م ح): ج ۵، ص ۸۵، حاشیه، ش ۹
 ۱- د، م ح، [ل]: به گنج و درم
 این بیت در (ف) نیامده، اما در (و، لن، پ، ب، و) آمده است و همانند بیت ۷/۲ نشان می‌دهد که نسخه ی فلورانس با نسخه مورد استفاده راوندی یکی نبوده است.

۸. ابیاتی که در راحة الصدور مکرر استفاده شده‌اند:

برخی ابیات شاهنامه در راحة الصدور مکرر استفاده شده‌است. این ابیات دو گونه‌اند: ۱- ابیات مشهور و معروف که به صورت ضرب‌المثل درآمده‌اند. این ابیات به دلیل اندک اختلافی که در آن‌ها دیده می‌شود نشان می‌دهد که نویسنده در نقل آن‌ها در پاره‌ای از موارد از حافظه استفاده کرده و همین امر باعث بروز اندک اختلاف در آن‌ها گردیده‌است. ۲- ابیاتی که کم کاربرد هستند و از حافظه استفاده نشده‌اند. این ابیات در جاهای مختلف بدون تغییر آمده‌اند.

الف- تکراری بدون اختلاف:

۸/۱- ز گیتی ستایش بماند^۱ بس است که تاج و کمر^۲ بهر دیگر کس است^۳
رح: ص ۴۱، س ۱۹ شه~ (م ح): ج ۷، ص ۳۶۷، ب ۱۰۸۹
شه~ (د): پیدا نشد. شه~ (خ م): د ۶، ص ۵۱۰، ب ۱۲۶۵

این بیت در ص ۵۹، س ۲۱، رح بدون تغییر آمده‌است.

۱- م ح: به ما بر؛ ق، ل، خ ۱، خ ۲: بماند
۲- م ح: که گنج درم؛ ق، ل، خ ۱، خ ۲: تاج و کمر
۳- خ م: به گیتی ستایش بماندت بس که تاج و کمر خود نماند به کس
در مورد این بیت و ابیاتی نظیر این دو نکته به نظر می‌رسد: اول این که صورت درست‌تر همان است که در راحة الصدور آمده، چون بسیاری از نسخه‌ها آن را تأیید می‌کند، دوم این که باید بپذیریم هر دو صورت از آن خود فردوسی است، زیرا چنان که گذشت فردوسی خود سه نسخه از شاهنامه ترتیب داده و در هر کدام تغییرات جزئی اعمال نموده‌است. لحن متن راحة الصدور تعلیمی و لحن چاپ خالقی حماسی است. از طرف دیگر تکرار آن در راحة الصدور بدون تغییر مؤید آن است که از روی نسخه‌ای یاد داشت شده‌است.

۸/۲- «سزد گر بگویم یکی داستان که باشد خردمند همداستان
۸/۳- مسای ایچ با آز و با کینه دست ز منزل مکن جایگاه نشست
۸/۴- سرای سپنجست پرآی و رَو یکی شد کهن دیگر آرند نَو
۸/۵- یکی اندر آید دگر بگذرد زمانی به منزل چمد یا چرد»
رح: ص ۱۰۱، س ۷-۱۰ (تکراری رجوع شود به ص ۹ همین مقاله)

تکرار این ابیات این نکته را ثابت می‌کند که مؤلف ابیات را از روی یادداشتی استفاده کرده و ما را در صحت متن امیدوارتر می‌کند.

ب- تکراری اختلافی

۸/۱- «درختی که کاری [چو] آید^۱ بار ببینی بویژه^۲ برش بر^۳ کنار
 ۸/۲- گرش^۴ بار خارست خود کشته‌ای وگر پرنیانست خود رشته‌ای»
 رج: ص ۳۳۵، س ۲۱-۲۲ شه~(خ م): د، ص ۱۵۱، ب ۹۹۲-۹۹۳
 شه~(د): ۶، ۱۱۴۵-۱۱۴۶ شه~(م ح): ج ۱، ص ۱۲۹، ب ۸۳۴-۸۳۵
 شه~(ج): ج ۱، ص ۲۵۹، ب ۱۸-۱۰۱۷ (تکراری، رج: ص ۳۸۸، س ۲-۳)
 ۱- خ م، م ح، ج: پروردی آمد؛ رج، ص ۳۸۸: پروردی. د: بنشنادی آمد ۲- د، م ح: بیایی هم اکنون؛ خ ۱: ببینی؛ ج: ببینی برش هم کنون در.
 ۳- د، م ح: در؛ خ م: ببینی برش را کنون در ۴- م ح: اگر؛ ل، خ ۲: گرش
 در سه مورد اول احتمال تصرف وجود دارد. تکرار آن‌ها نشان می‌دهد که در مورد اول در چاپ راحة الصدور بی‌دقتی شده، چون مصحح از خود «چو» افزوده است. اما متن ص ۳۸۸ دقت بیشتری را نشان می‌دهد.

۹. ابیاتی که در چاپ‌های شاهنامه الحاقی است، اما وجود آن‌ها در راحة الصدور اصالت آنها را اثبات میکند:

۹/۱- ز خورشید و ز باد و ز آب و خاک نگردد تبه نام و گفتار پاک
 رج: ص ۵۹ س ۱۷ شه~(د): ۴۱، ۲۵۰۰ شه~(خ م): د، ص ۲۸۸، ب ۲۴۴۸
 شه~(م ح): این بیت در اصل متن نیامده بلکه در حاشیه شماره ی ۱۹، ص ۱۹۴، ج ۸ آمده که فقط «ق، ل، خ ۱» این بیت را داشته‌اند.
 با توجه به متن راحة الصدور و چند نسخه از شاهنامه ثابت می‌شود که این بیت از شاهنامه است و در چاپ‌های شاهنامه نیز بهتر است جزء اصل متن آورده شود و تنها در حاشیه به ذکر نسخه‌هایی که این بیت را نداشته‌اند اشاره شود.

۱- خ م: و از

۹/۲- چه گفت آن خردمند پاکیزه مغز کجا داستان زد ز گفتار^۱ نغز

۹/۳- که شیرین‌تر از جان^۲ فرزند و چیز همانا که دیگر نباشند نیز^۳

رح: ص ۱۷۸، ۷-۸ شه~(خ م): د، ۱، ص ۹۴، ب ۷۷ و ۸۱
 شه~(د): ۶، ۸۷ و ۸۳ شه~(م ح): ج ۱، ص ۲۵۲، ملحقات، ب ۱
 شه~(ج): ج ۱، ص ۴ و ۱۴۳، ب ۸۶ و ۸۳
 ۱- د، خ م، م ح، ج: پیوند.
 ۲- د، خ م، م ح، ج: «و» افزون دارند.
 ۳- ک، د، م ح، ج: همانا که چیزی نباشد بنیز.
 این ابیات در چاپ مسکو جزء ابیات الحاقی آمده است، وجود آنها در نسخ مختلف شاهنامه و چاپ خالقی اصالت آنها را از فردوسی اثبات می کند.
 ۹/۴- گر از کس^۱ دل شاه کین آورد همه^۲ رخنه در داد و دین آورد
 رح: ص ۱۷۸، س ۱۳ شه~(خ م): د، ۶، ص ۳۳۹، حاشیه ۱۱ به نقل از: ک، پ، ب.
 شه~(د): ۳۰، ۶۴۹ شه~(م ح): ج ۷، ص ۲۵۴، حاشیه ۲۳؛ خ ۱، خ ۲
 ۱- د، خ م، م ح: اگر زو ۲- خ ۲: همی، خ ۱: همه
 این بیت قطعاً از شاهنامه است، زیرا با بیت بعد پشت سر هم در راحة الصدور و شاهنامه آمده است. بعید است کسی تصور کند برای اولین بار راوندی آن را ساخته و بعد از او وارد شاهنامه شده، یا قبل از راوندی نسخه برداری آن را ساخته و راوندی از آن استفاده کرده باشد. ضمناً در ص ۲۹۳، س ۲ راحة الصدور نیز عیناً تکرار شده است.

۱۰. ابیاتی که اختلاف نسخ ایجاد مشکل نمی کند و غالباً واضح نبودن خط اختلاف ایجاد کرده است:

۱۰/۱- بدین^۱ سان رود آفتاب سپهر به یک دست شمشیر و یک دست مهر
 ۱۰/۲- نه بخشایش آرد به هنگام خشم نه خشم آیدش روز بخشش به چشم
 رح: ص ۱۷۶، س ۱۵-۱۶ شه~(خ م): د، ۷، ص ۱۴۵، ب ۷۴۰ و ۷۴۱
 شه~(د): ۴۱، ۷۳۳-۷۳۴ شه~(م ح): ج ۸، ص ۹۵، ب ۷۲۷-۷۲۸
 ۱- خ م، م ح: برین؛ ق، ل، خ ۱: بدین
 ابیاتی از این دست در نسخ مختلف شاهنامه فراوان است که در پاره‌ای از موارد ایجاد مشکل کرده است.

نتیجه

شاهنامه شاهکاری است که از روزگار شاعر مورد توجه اکثر نویسندگان، مورخان و شاعران بوده و بر بسیاری از آثار بعد از خود تأثیر نهاده است. راحة الصدور که جزء کتاب های تاریخی- ادبی حدود دو قرن بعد از شاهنامه است، تا روزگار خود، نه تنها در نقل ابیات شاهنامه بلکه در سرودن ابیاتی بر وزن و مضمون آن ها بیشترین اثرپذیری را از شاهنامه داشته است. راوندی، مورخ و شاعر قرن ششم و اوایل قرن هفتم به طور غیر مستقیم با نقل پانصد و نود و چهار بیت از شاهنامه در راحة الصدور، خدمت بزرگی به تصحیح شاهنامه نموده که جا دارد شاهنامه شناسان بزرگ روزگار ما مخصوصاً کسانی که در حوزه تصحیح شاهنامه فعالیت دارند، از این رهگذر به ابیات مذکور در راحة الصدور توجه ویژه داشته باشند.

راوندی، به استثنای ابیاتی که جنبه مثلی دارند، بدون تردید سایر ابیات شاهنامه را از روی یادداشتی که قبلاً از شاهنامه تهیه کرده بود، نوشته است. با وجود تقارن بسیار بین متن ابیات راحة الصدور با نسخه فلورانس و چاپ خالقی مطلق، تفاوت های موجود مبین آن است نسخه مورد استفاده راوندی با موارد یاد شده یکی نبوده است.

پی نوشت

۱- قدیمی ترین نسخه موجود شاهنامه در حال حاضر شاهنامه، نسخه موزه فلورانس ایتالیا (مورخ ۶۱۴ ه. ق.) است که دکتر عزیز الله جوینی به چاپ آن همت گماشته است.

منابع

بهمنی مطلق، یدالله (۱۳۷۴)، تأثیر شاهنامه بر راحة الصدور و ارزش راحة الصدور در تصحیح شاهنامه، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

جوینی، عزیز الله، ۱۳۷۵، شاهنامه فردوسی، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول.

_____، ۱۳۸۵، شاهنامه فردوسی، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم.

_____، ۱۳۸۸، شاهنامه فردوسی، ج ۳، انتشارات دانشگاه تهران، چ سوم.

_____، ۱۳۸۷، شاهنامه فردوسی، ج ۵، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول.

حمیدیان، سعید (۱۳۷۳) شاهنامه فردوسی (از روی چاپ مسکو)، انتشارات قطره، چ اول.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۶)، شاهنامه ابوالقاسم فردوسی، ۸ ج، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چ اول.

دبیر سیاقی، محمد (۱۳۴۴) شاهنامه فردوسی، موسسه مطبوعاتی علمی، چ دوم.

_____ (۱۳۴۸) کشف الابیات شاهنامه فردوسی (۲ جلد)، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.

راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۶۴) راحة الصدور و آية السرور، به تصحیح محمد اقبال، انتشارات امیر کبیر، چ دوم.

زنجانی، برات (۱۳۷۹) «شانه های دیگر در اصالت شاهنامه فلورانس»، نامه بهارستان، دفتر ۹-۱۰، بهار و زمستان ۱۳۸۳.

شعار، جعفر (۱۳۷۳)، رزم نامه رستم و اسفندیار، انتشارات قطره، چ چهاردهم.

صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۲، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، انتشارات فردوس، چ دوازدهم.

نوشین، عبدالحسین (۱۳۶۹) واژه نامک، انتشارات دنیا، چ سوم.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۴)، گلستان سعدی، انتشارات خوارزمی، چ چهارم.